



مهاجرت

یکی از وقایع مهم سیاسی قرن اخیر ایران

(۶)

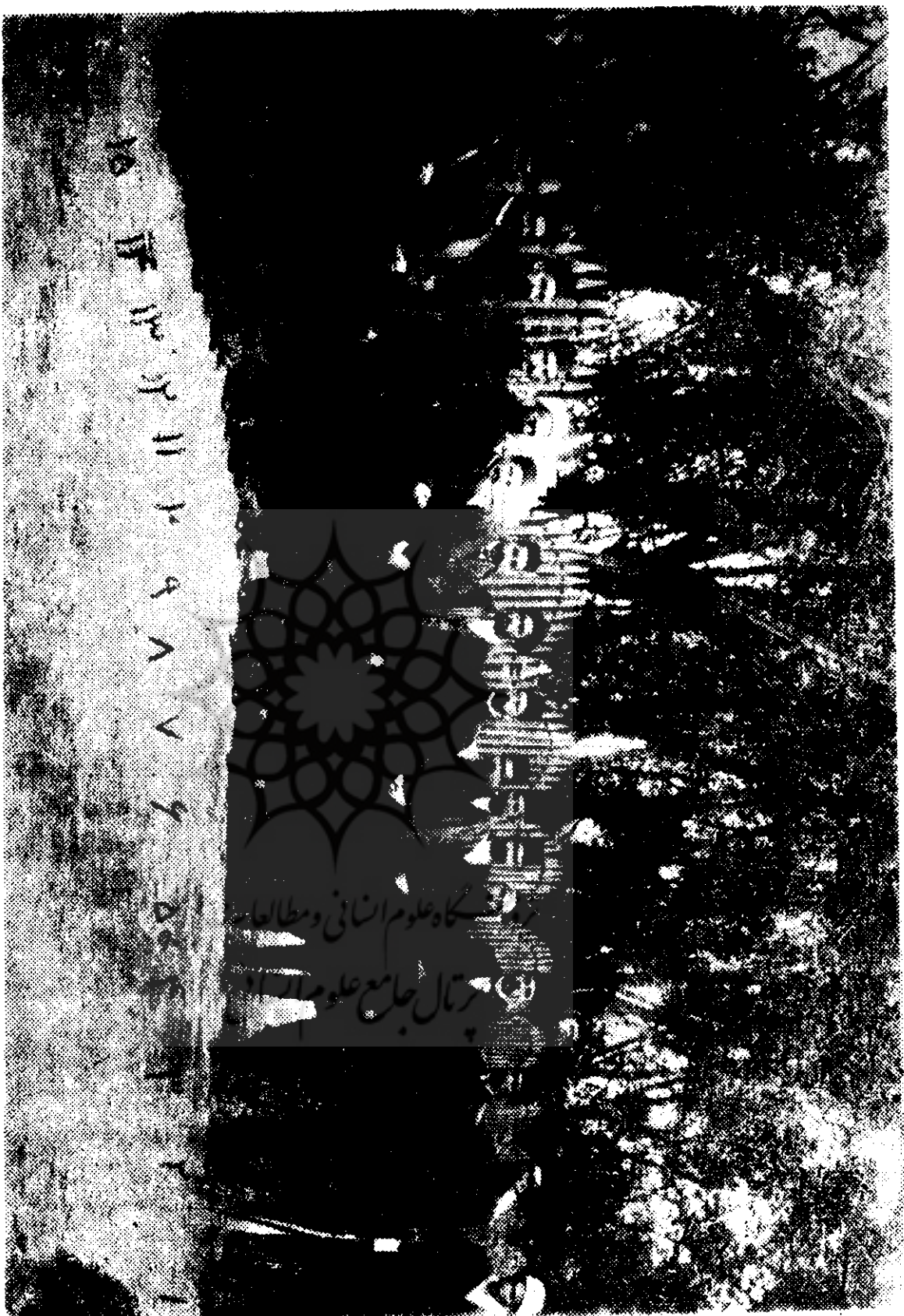
پنجشنبه ۲۶ ذی قعدة ۱۳۳۳ قمری = ۱۴ مهر ۱۲۹۴ شمسی = ۲۴۷۴ شاهنشاهی = ۷ اکتبر ۱۹۱۵ میلادی

امروز، ۱۴ میزان و روز تجدید انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای ملی است. هیئت رئیسه جدید بدین ترتیب انتخاب شدند. **مؤمن الملك** (حسین پیرنیا) بیطرف رئیس. **عدل الملك** (حسین دادگر) دموکرات و **میرزا محمد صادق طباطبائی** اعتدال نواب رئیس. **عماد السلطنه** (فاطمی) دموکرات **معتمد السلطنه** (سید مهدی فرخ) دموکرات منشی. **ارباب کیخسرو شاهرخ بیطرف** و **معین التجار بوشهری بیطرف** و **خان باباخان دموکرات** بسمت مباشرین مجلس. بنابراین چهار دموکرات و سه بیطرف و یک حزب اعتدالی انتخاب گردیدند.

تعداد منتخبین دوره سوم مجلس شورای ملی ۹۶ نفر بودند که ۳۳ نفر از حزب دموکرات، ۲۲ نفر از حزب اعتدال و ۱۳ نفر هیئت علمیه و ۲۱ نفر بیطرف و ۳ نفر وکلاء زردشتی و ارمنی و کلیمی و ۳ نفر هم در مجلس حاضر نشدند.

اشخاصیکه در این عکس دیده میشوند بترتیب از چپ بر راست عبارتند از ۱- **ملك الشعرا محمد تقی بهار** نماینده در جزو کلات ۲- **عدل الملك حسین دادگر** نماینده بار فروش نایب رئیس مجلس ۳- **امیر محتشم بختیاری** ۴- **اسدالله میرزا شهاب الدوله شمس ملك آرا** وزیر فواید عامه ۵- **مغرور میرزا موثق الدوله** وزیر دربار ۶- **مستوفی الممالک رئیس الوزرا**

آقای **ابوالقاسم کمال زاده** مدیر کل سابق اداره کل انتشارات و تبلیغات کشور و منشی سفارت آلمان در تهران از مردان ورزیده تاریخ و سیاست معاصر.



تصاویر آقایان مستوفی الامماتک رئیس الوزراء و مؤتمن المملک رئیس مجلس و روسای
فراکسیونهای مجلس و چند نفر از وزرا و رجال و نمایندگان مجلس

۷- موتمن الملك حسين پيرنيا رئيس مجلس شورای ملی ۸- ميرزا محمد صادق طباطبائی
 نایب رئیس مجلس ولیدر حزب اعتدال ۹ - سلیمان میرزا اسکندری نماینده طهران لیبر
 حزب دموکرات ۱۰ - ادیب السلطنه میرزا حسین خان سمیعی نماینده رشت ۱۱ - حاجی
 میرزا حسین کرمانشاهی نماینده کرمانشاه ۱۲ - فرج الله خان آصف سردار معظم کردستانی
 نماینده کردستان ۱۳ - شکرالله خان قوام الدوله نماینده نجف آباد ۱۴ - آقای دکتر قزل
 ایاغ حسین قلی خان ۱۵ - مشار الدوله حکمت نماینده شیراز. این عکس در مدت زمان بین
 شوال ۱۳۳۳ و محرم ۱۳۳۴ گرفته شده است یعنی زمانی که مذاکرات سری بین دولت
 ایران و وزیر مختار آلمان در جریان بود. یکی دو هفته بعد از گرفتن این عکس مهاجرت
 اتفاق افتاد و اغلب نمایندگان مجلس که در این عکس هستند از طهران خارج شدند.

پس از انتخاب هیئت رئیسه مجلس که باردیگر دموکراتها اکثریت یافتند دولت
 مستوفی الممالک باردیگر تقویت و در تمام ایران بر له سیاست آلمان روحی تازه بکالبد
 ایرانیان و وطن پرست دمیده شد و در تمام مجلس و محافل سیاست دولت مستوفی الممالک را
 می ستودند. ملاقاتهای پی در پی وزیر مختار آلمان دشونمان (شونم ان) و کنت کانتس
 وابسته نظامی آلمان ولیتن قنسول آلمان که حالیه در سفارت آلمان و وظیفه در آگمانی را در دست
 داشت با اعضای هیئت دولت و زعمای مجلس ملی اذهان مردم را پیوسته باین نکته متوجه
 میکرد که دولت ایران با دولت آلمان برای عقد قرارداد اتفاق بمذاکرات بسیار محرمانه
 و جدی مشغول است.

عملیات اداره وابسته نظامی آلمان در ساختمان جدید

از روز سوم اکتبر ۱۹۱۵ مطابق ۱۰ میزان (مهر) ۱۲۹۴ که محل وابسته نظامی
 بانتهای خیابان فردوسی منتقل شد و من با همکاران آلمانی و ایرانی خود آشنائی بیشتر یافتیم.
 برنامه کارهای من متفاوت و در واقع بسیار سنگین شد بدین معنی که من باستثنای شخص کنت
 کانتیس باید بدیگر افسران آلمانی همکاری داشته و در ترجمه مذاکرات حضوری و مکاتباتشان
 شرکت کنم کارهای کنت کانتیس را آقای روح الله خان میکده برادر میرزا سلیمان خان میکده
 معاون وزارت کشور رسیدگی میکرد ولی کارهای آقایان پاشن (پاشن) و پتسلد (پت-
 سلد) و هاوک (هاوک) بعهد من بود که سنگین ترین و جالبترین آنها کارهایی بود که با
 آقای ماژر پتسلد متصدی ذخائر و مهمات داشتم. یک روز آقای هاوک از طرف آقای کانتیس
 بمن ابلاغ کرد چون افسر اطریشی که با ماژر پتسلد (پت سلد) کار میکرد بماموریت میسیون
 افغانستان رفته است شما باید بجای او با ماژر پتسلد همکاری نمائید آقای هاوک بمن سفارش
 کرد دقیقاً بدستور آقای رئیس جدید رفتار نمائید زیرا با اندک غفلت ، علاوه بر خسارات و
 تلفات جانی اسرار اداره وابسته نظامی آلمان فاش خواهد شد و شکست بزرگ سیامی
 بالمانها وارد خواهد آورد.

آقای ماژریتسلد علاوه بر نظارت و تقسیم اسلحه‌های گرم خود نیز تصدی ساختن بمب‌های کوچک و نارنجک را بعهده داشت که در زیرزمین بسیار بزرگی در همین عمارت مسکونی تهیه می‌شد. وقتی من و هاوک و پتسلد دور از چشم نوکران و آشپزان بزرگ‌ترین رفتیم دیدیم انواع و اقسام کاسه‌های برنجی کوچک و تخته‌های گرد دسته‌دار باندازه دهانه کاسه‌ها و مقداری کرباس ضخیم و یکی دو مترسیم نازک پهلوی هم روی زمین چیده شده است در قسمت دیگر زیرزمین جعبه‌های باروت و مواد منفجره دیده می‌شد. در هر یک از کاسه‌های برنجی مقداری باروت و مواد منفجره ریختیم و درب چوبی دسته‌دار را روی آن گذاشتیم و فیتیله آن را از سوراخ تخته در آورده بانخ قند محکم بستیم. بطوریکه درب چوبی کاملاً دهانه کاسه برنجی را می‌پوشانید. بعد کاسه را با احتیاط در داخل کاسه کرباس گذارده سرفتیله را از کیسه بیرون آوردیم و باسیم‌های نازکی که در دسترس بود دور تادور کیسه کرباسی را محکم بستیم و دسته چوب درب کاسه را از کیسه بیرون گذاردیم - بدرب پنجره این زیرزمین پرده‌های ضخیم آویخته بود تا عملیات ما از خارج دیده نشود، این زیرزمین حتی در روز هم باد و عدد چراغ گردسوز و رشوی آلمانی روشن بود که درد و گوشه آن قرار داشت. در زیرزمین دیگر جعبه‌های چوبی بزرگ و محکم رویهم چیده شده بود که همه لولا و چفت و قفل داشت - نارنجکها و بمب‌های دستی را بطور منظم در صندوقها می‌چیدیم و لابلای آنها پنبه‌ای زیاد می‌گذاشتیم که از گزند استکاک باهم در امان باشد و سائیده نشود و حریق ایجاد نکند. این کار سه تا چهار روز طول کشید و متجاوز از ۵۰ صندوق چوبی بزرگ حاضر شد که هر یک ۵۰ بمب و نارنجک دستی داشت دو شب بعد از خاتمه کار، آقای پتسلد بمن گفت امشب ساعت دوازده چند ژاندارم برای حمل صندوقها می‌آیند من و شما باید در اداره باشیم که بتوانیم با ژاندارمها گفتگو و موجبات حمل صندوقها را فراهم کنیم. درست در سر ساعت، دوازده نفر بالباس معمولی و یک نفر بالباس بسیار خوب از بالای خندق بطرف اداره وابسته نظامی آمدند و هر دو نفر یک صندوق را برداشته بطرف خندق بردند و بعد از ده دقیقه برگشته و صندوق دیگر را حمل کردند و جمعاً ۲۴ صندوق را بردند در دفعه چهارم مرد خوش لباس جلو آمد و گفت فردا شب در همین ساعت می‌آئیم و بقیه را می‌بریم من و آقای پتسلد و آن مرد تا جلو خندق رفتیم و دیدیم دو نفر باشش قاطر در داخل خندق ایستاده‌اند و بار هر یک از قاطرها چهار صندوق شده است و ۱۳ اسب با زین و برگ سوئی نیز در آنجا حاضرند. پس از اینکه سوارها قاطرها را پیک کشیدند و از خندق بالا رفتند من و پتسلد باز گشتیم. آقای پتسلد در بین راه بمن گفت این حمالها ژاندارم بودند و آن آقای خوش لباس افسر ژاندارم‌ری است و این قاطرها هم برژیمان ژاندارم‌ری یوسف آباد تعلق دارد و صندوقها را برژیمان حمل کردند. در روزهای بعد این برنامه چندین بار تکرار شد و دوسه بار آقای کنت کانتیس وابسته نظامی به محل کار ما آمد و از من رضایت کرد و فوق العاده خوشحال بود که از میگزاری

افسر اطریشی خلاص شده است .

اولین اتومبیل آلمانی در طهران

شنبه ۱۳ ذیحجه ۱۳۲۳ قمری مطابق ۳۰ مهرماه ۱۲۹۴ = ۲۴۷۴ شاهنشاهی = ۲۳ اکتبر ۱۹۱۵ میلادی

اولین اتومبیل آلمانی بطهران وارد شد . رائنده اتومبیل يك افسر آلمانی بود که به اتفاق آقای شوئمان (شونمان) قنصل آلمان در کرمانشاهان بطهران آمدند و دوسه روزی ماندند و مراجعت کردند . در آن تاریخ فقط يك اتومبیل در ایران موجود بود یعنی اتومبیل کوچک فرانسوی که باعلیه حضرت مظفرالدین شاه تعلق داشت او در تاریخ . یکشنبه ۲ ربیع الاول ۱۳۲۳ قمری مطابق ۱۸ اردی بهشت ۱۲۸۴ شمسی = ۲۴۶۴ شاهنشاهی = ۷ مه ۱۹۰۵ میلادی که بارو پامسافرت و در ماه رجب همان سال مراجعت کرده بود این اتومبیل را همراه خود بایران آورد و رود شاه بایران مصادف با خاتمه جنگ روس و ژاپن (۵ رجب ۱۳۲۳ = ۵ سپتامبر ۱۹۰۵ میلادی) و این آخرین سفر شاه بفرنگستان بود . رائنده این اتومبیل مسیو وارنه (وارنه) فرانسوی بود که بعد از خارج شدن از دستگاه کالسکه خانه شاهی مدتی متصدی امور هتل دو فرانس شد و در سالهای ۱۳۰۰ شمسی بعد که اتومبیل در طهران فراوان گردید، تعمیر گاهی در خیابان دروازه قزوین دایر کرد . شاگردان تعمیر گاه وارنه اولین مکانیسن های اتومبیل در ایران بودند . این اتومبیل همان اتومبیلی است که محمدعلی شاه در تاریخ جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ قمری مطابق ۲۸ فوریه ۱۹۰۸ میلادی = ۱۴ اسفند ۱۲۸۶ شمسی = ۲۴۶۶ شاهنشاهی دستور داد حاضر کنند تا برای گردش بدوشان تپه (فرح آباد) برود ولی در موقع سوار شدن ناخود آگاه بکالسکه ای که پشت سر اتومبیل بود سوار شد و در خیابان پشت خانه (اکباتان فعلی) اول سراه تخت بر بریها بسوی اتومبیل بمب پرتاب کردند و با اتومبیل آسیبی مختصر رسید و دو تا از اسبان سواران همراه شاه سقط شدند . این اتومبیل آلمانی زرد رنگی بسیار چشم نواز داشت و تمام تهرانیان شیفته تماشاى آن بودند . برای نگارنده واقعه ای فراموش ناشدنی پیش آمد که اینک شرح میدهم : يك روز عصر با اتفاق آقایان هاوک و شوئمان و آن افسر تازه وارد با اتومبیل بیباغ سفارت آلمان در شمیران رفتیم و چون جاده شمیران خاکی بود پیش از بیست دقیقه طی طریق نکردیم دیگر من از ماموریت آقای جدیدالورود اطلاعی حاصل نکردم و ننه میدم غرض از رفتن بسفارت آلمان در شمیران صرفاً گردش بود یا آنکه مقصود و منظوری دیگر هم داشتند . این افسر گرچه لباس متحدالشکل بتن نداشت ولی از برخورد آقایان شوئمان و هاوک معلوم بود افسری ارشد با درجه عالی است و دوسه روز بیشتر در طهران توقف نکرد و از راه سمدان و کرمانشاهان مراجعت کرد . دنباله دارد